

مهدویت خاتمه

بیان عقاید مهدوی
و نقد شبهات مدعیان دروغین مهدویت

ترجمه کتاب المهدویة الخاتمة «۲»

ترجمه: اکبر بیرامی
تحقیق و تعلیق: سیدمهدی سیستانی



مهدویت خاتم

فقه نشانه های ظهور

مترجم:

اکبر بیرامی

تعلیق و تحقیق:

سید مهدی مجتهدی سیستانی

فهرست

۶	فصل دوم: فقه نشانه های ظهور
۶	اهمیت دانش نشانه های ظهور
۸	ملاک های ارزش گذاری به فرهنگ نشانه های ظهور
۸	ملاک اول: راه یابی از شناخت علامت به شناخت صاحب علامت
۹	ملاک دوم: دقت نظر در تطبیق نشانه ها با مصادیق خارجی
۱۱	ملاک سوم: حفظ خود از افتادن در باتلاق مدعیان دروغین
۱۷	روشنگری هایی درباره نشانه های ظهور
۱۷	مبحث اول: دسته بندی نشانه های ظهور
۱۹	مبحث دوم: علامات حتمی
۱۹	مطلب اول: نکته راهبردی مهم در پژوهش علامات ظهور
۲۰	مطلب دوم: گستره کلی نشانه های حتمی
۲۲	مبحث سوم: بیان ویژگی های علامات حتمی
۲۲	نشانه اول: سفیانی
۲۲	ویژگی اول: نام و نژاد و ویژگی های ظاهری
۲۳	ویژگی دوم: هنگامه جنبش و مدت زمان قیام او
۲۴	ویژگی سوم: دیدگاه سفیانی نسبت به شیعیان
۲۵	نشانه دوم: ندای آسمانی
۲۵	ویژگی اول: حقیقت ندای آسمانی

- ویژگی دوم. شخصِ ندا دهنده ۲۶
- ویژگی سوم: زمان صیحه..... ۲۷
- ویژگی چهارم: زبان گفتاری ندای آسمانی ۲۷
- ویژگی پنجم: ندای آسمانی؛ آزمونی بزرگ ۲۸
- نشانه سوم. خروج یمانی..... ۲۹**
- ویژگی اول. آغاز جنبش یمانی از سوی یمن ۲۹
- ویژگی دوم: همزمانی جنبش یمانی با جنبش سفیانی ۳۰
- ویژگی سوم. پرچم یمانی، هدایت گرترین پرچم است ۳۱
- نشانه چهارم: قتل نفس زکیه ۳۱**
- نشانه پنجم و ششم: فرورفتن بیداء و طلوع خورشید از سوی مغرب ۳۲**
- مبحث چهارم: آیا در علایم حتمی نیز بداء رخ می دهد؟! ۳۳
- پاسخ اول. امکان وقوع بدهاء در نشانه های حتمی ۳۴
- پاسخ دوم. امکان وقوع بدهاء در برخی ویژگی های علامات حتمی ۳۶
- پاسخ سوم. رویداد بدهاء در نشانه های حتمی، ممنوع است ۳۷
- مبحث پنجم: امکان وقوع تلبیس در علامات حتمی فراهم نیست ۳۹

فصل دوم

فقه نشانه های ظهور

فصل دوم: فقه نشانه های ظهور

اهمیت دانشِ نشانه های ظهور

روشنگری هایی در رابطه با علایم ظهور

• اهمیت دانش نشانه های ظهور

بنابر احادیث شریف اهل بیت علیهم السلام، خداوند متعال برای ظهور مولانا الاعظم حضرت بقیة الله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نشانه هایی قرار داده است؛ شیخ صدوق به سندش از محمد بن مسلم نقل می کند: از امام صادق شنیدم که: «پیش از قائم نشانه هایی از سوی خداوند برای مومنان خواهد بود».^۱

گاهی مواقع، رخدادهایی که در جهان معاصر روی می دهد، سبب می شود پیرامون نشانه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، درنگ و اندیشه کنیم؛ درنگی که پژوهشگر در سایه سار آن به نگاهی ژرف و درست نسبت به دانشِ نشانه یابی دست می یابد.

نگاه ژرفی که پژوهشگر در خلال بررسی درست نشانه های ظهور بدست می آورد، دو نتیجه ملموس و ارزشمند دارد: **اولاً** می تواند بر مجموعه پرسش ها و حدس و گمانهایی که در اثر

۱. کمال الدین و تمام النعمه ص ۶۴۹؛ این روایت بنابر وثاقت احمد بن هلال صحیح است؛ که این گفتار نزد علامه خویی مقبول است.

حتی اگر وثاقت احمد بن هلال هم ثابت نباشد بنا بر مکتب موثوقی، روایاتی از او که دارای مویدات باشد معتبر است. محقق

رخ دادن این اتفاقات در ذهنش پدیدار می شود، پاسخی بیابد و **ثانیاً** می تواند افسار تلاش های غلط برخی از برادران ایمانی ما در راستای «این همانی» سازی رویدادهای جهان امروز با نشانه های ظهور و تطبیق های ناروا و بلکه فرود آوردن شخصیت‌های دوران ظهور در حد برخی از افراد معین و مواردی از این قبیل را بدست گرفته و آن را مدیریت و چارچوب بندی نماید.

این تطبیق سازی ها، قطعاً کار درستی نیست و می بایست در باره اینچنین رویدادهایی، درنگ نموده و تا حد توان کوشش نموده و مردم را از اینچنین رفتارهایی با روایات ظهور، بازداشت. این آموزه ها همواره نیازمند وجود افراد متخصص است و بایستی در این موارد به افراد متخصص و خبره رجوع کرد و شأن و جایگاه این علم نیز همانند دیگر علوم و فنون می باشد، و از جمله رفتارهایی که بشریت با آن خو گرفته و سیرت عاقلان نیز بر همان است، رجوع به اهل خبره و اختصاص در هر فن و دانش می باشد.

از طرفی، افزون بر یافته ها و نیز رویدادهایی که در جهان پیرامون رخ می دهد و از خلال آن، ذهن ها متوجه نشانه های ظهور می شود، روایاتی نیز بما رسیده است که ما را به **شناخت** **علایم ظهور** حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف فرا می خواند؛ از جمله روایتی که شیخ کلینی به سندش از سرور ما امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «نشانه را بشناس؛ چرا که اگر او را شناختی، چه این امر پیش افتد و چه تأخیر پذیرد، گزندی به تو نمی رسد»^۱.

۱. کافی ج ۱ ص ۳۷۲. این حدیث دارای نسخه بدل است: «اعرف الغلام» و غلام تعبیری کنایی درباره حضرت مهدی علیه السلام بوده که در روایات متعدد به کار رفته است. همچنانکه ادامه حدیث همین نسخه را تایید می کند چون با فای تفریع

بی تردید مراد از فرمایش امام علیه السلام که: «بشناس»، بنابر آنچه نظر معتبر است، امر استحبابی و ترجیحی است؛ و لذا این روایت همواره در راستای خوب و مستحب جلوه دادن شناخت علامات ظهور توسط مومنان می باشد.^۱

• ملاک های ارزش گذاری به فرهنگ نشانه های ظهور

اگر سوال شود: «چرا پرداختن به دانش نشانه های ظهور، ارزش و اهمیت دارد؟» می توان سه دلیل برای اهمیت و ارزش دانش نشانه های ظهور ارائه کرد و چنین گفت:

❖ ملاک اول: راه یابی از شناخت علامت به شناخت صاحب علامت

پر واضح است که وجود نشانه یک چیز، دال بر وجود آن چیز است؛ و مثالهای فراوانی در این باره می توان زد؛ همانند وجود تابلوهای کنار جاده که ما را از وجود اماکن خاص همانند پمپ

می فرماید: «فمن عرف إمامه كان...» لذا روشن می شود سخن بر سر شناخت امام است نه شناخت علامت و برخی بزرگان مانند فیض که نسخه را همان علامت دانسته اند خود علامت را تفسیر به امام کرده اند: (وافی ج ۲ ص ۴۳۶). همچنانکه عین همین مضمون به سند صحیح اعلائی و سند دیگری که قابل اعتماد است وارد شده و متن آن «إعرف الإمام» است نه «إعرف العلامة»: (کافی ج ۱ ص ۳۷۱ ح ۱ و ۲) و اصلاً تعبیر «إعرف العلامة» در هیچ حدیث دیگری وجود ندارد. محقق

۱. این نظر درست نمی آید، زیرا اولاً عنوان شد که ظاهراً «إعرف العلامة» غلط می باشد و درستش «عرف الإمام» است که این صورت شناخت امام واجب است نه مستحب، ثانیاً بر فرض که نسخه درست «إعرف العلامة» باشد، باز هم از آنجا که شناخت امام زمان علیه السلام مبتنی بر شناخت علائم حتمی ایشان است تا بتوانیم فرد مدعی دروغگو را از خلیفه حقیقی خداوند باز شناسیم، واجب بودن شناخت علائم حتمی ظهور امری گزاره نخواهد بود، همچنانکه خود مولف در ادامه به علامت های راهنمایی و رانندگی مثال زده که نزد عقلای عالم دانستن آنها برای رانندگی در جاده لازم است و الا کسی که از تابلوی خطر سقوط یا لغزندگی جاده یا عبور حیوانات اهلی یا دیگر تابلو شناختی ندارد، سقوط دچار شدنش به سانحه ای دلخراش به دور از انتظار نخواهد بود.

بنزین و .. یا مقدار راه مانده به شهرها با خبر نموده و یا نکات رانندگی متناسب با شرایط جاده را به ما گوشزد می کند؛ مثل ممنوعیت سبقت؛ پس درک علامت و تابلوه های کنار جاده، راننده را همواره در مسیر مطلوب، قرار داده و به سر منزل مقصود می رساند.

نشانه های ظهور نیز چیزی همانند همان تابلوهای جاده ای هستند؛ و انسانی که در پی امام زمان عجل الله تعالی فرجه التریف می باشد را در مسیر مطلوب قرار داده و به صاحب آن علامات یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه التریف می رسانند؛ و این یکی از ملاکهای ارزشمندی شناخت علامات ظهور است؛ چرا که درک درست و شناخت مناسب علامت ظهور، منجر به رسیدن به یکی از بهترین و بی همتاترین آرزوها می شود.

❖ ملاک دوم: دقت نظر در تطبیق نشانه ها با مصادیق خارجی

آنچه اهمیت این ملاک را برای ما گوشزد می کند، روایتی صحیح السند از زرارة بن اعین است که می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «ندا کننده ای از آسمان ندا می کند که: «فقط فلانی امیر است» و آوا دهنده ای دیگر آواز می کند: «فقط علی و پیروان او رستگار اند» عرض کردم: پس چه کسی با وجود اینچنین نشانه ای، با مهدی می جنگد؟ فرمود: شیطان نیز آواز می دهد: «همانا فلانی و پیروانش پیروزند- شعار به نفع مردی از بنی امیه-» عرض کردم: پس چه کسی می تواند راست را از دروغ بشناسد؟ فرمود: آن را کسانی می شناسند که حدیث ما را نقل می کرده اند و قبل از اینکه واقع شود، می گویند که آن واقع خواهد شد و می دانند که آنان همان افراد برحق و راستگویند».^۱

این روایت بیانگر میزان اهمیت و بیمناکی ماجراست؛ چرا که ابلیس تلاش خواهد کرد در برخی از نشانه های ظهور، دسیسه کند و این خود تبدیل به آزمونی مهم شده و سنگ محک شیعیان در آستانه ظهور خواهد شد و تنها راه نجات از این آزمون سخت، دانستن نشانه هایی است که در روایات بجای مانده از آل محمد علیهم السلام، به خوبی بیان شده است؛ همانطور که امام صادق علیه السلام در روایت فوق، در پاسخ به زراره، فرمود: «آن را (راست از دروغ را) کسانی که حدیث ما را نقل می کرده اند و قبل از اینکه واقع شود، می گویند که آن واقع خواهد شد و می دانند که آنان همان افراد برحق و راستگویند، می شناسند».

این دسیسه کاری شیطان در روند نشانه های ظهور، صرفاً مختص به صیحه آسمانی نیست؛ زیرا بیان یک مورد، به معنای عدم ابتلای دیگر موارد به این رویداد مشابه نمی باشد؛ بلکه بنا بر تنقیح مناط و با استفاده از قانون عدم خصوصیت مورد، می توان این فریبکاری و دجل شیطان و یارانش را در تمامی نشانه های ظهور مورد توقع دانست؛ و تنها راه برون رفت از این معضل، شناخت درست علامات ظهور است.^۱

۱. این سخن درست به نظر نمی رسد. اینکه شیطان در مورد صیحه فریبکاری می کند دلیل نمی شود که بتواند در مورد سفیانی و خسف بیداء و قتل نفس زکیه هم فریبکاری کند و امر را بر مردم مشتبه نماید. فریبکاری او درباره صیحه یک واقعه خاص خارجی است که امام علیه السلام از آن خبر داده اند و ربطی به تنقیح مناط و عدم خصوصیت مورد ندارد. غیر از اینکه صیحه، اصلی ترین علامت ظهور است لذا فریبکاری شیطان در آن مناط خاص خود را دارد که در دیگر علائم این چنین نیست تا بحث تنقیح مناط مطرح شود. اشتباه نشود، سخن ما درباره ورود مستقیم شیطان در یک علامت جهت فریبکاری است لذا منافاتی ندارد که شیطان افرادی را وسوسه کند تا در مورد سفیانی یا یمانی شبهه پراکنی کنند و مثلاً به دروغ کسی را سفیانی یا یمانی معرفی نمایند. محقق

❖ ملاک سوم. حفظ خود از افتادن در باتلاق مدعیان دروغین

مراد ما از مدعیان دروغین، صرفاً مدعیان دروغین مهدویت نیست؛ بلکه گستره ای فراتر از آن را مد نظر داریم؛ گستره ای که مدعیان سفارت و نیابت خاص را نیز فرا می گیرد؛ چرا که ما همکنون با مدعیانی روبرو هستیم که در صدد ادعای وصایت از امام مهدی و فرزندش از او هستند؛ و همو مدعی یمانی گری بوده و به همین بهانه ادعا دارد: هر که از او پیروی نکند، اهل آتش است. یا دیگری که ادعای مهدویت دارد و یا مدعی دیگری که تمام اینها را یکجا برای خودش می خواهد! لذا اینها همگی مصداق بارز «فراخواندن به خود» است که بنا بر نص روایات شریفه، پیش از خروج حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، روی می دهد.

همچنانکه در روایت صحیحی ابی خدیجه به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است که: «قائم خروج نمی کند مگر اینکه پیش از او، دوازده تن از بنی هاشم خروج نمایند؛ در حالیکه هر کدام به خود فرامی خواند».^۱

اهمیت و ارزش این ملاک در جایگاهی است که امامان ما علیهم السلام توجه به این مسئله را به عنوان یک تکلیف شرعی قلمداد نموده و شیعیان را از بیم اهمال در اهمیت دادن بدین ملاک، آگاهانیده اند. روایات فراوانی در این باره داریم که به هر صورتی شیعیان را از گرویدن به هر مدعی که به هر نوعی مدعی ارتباط خاص با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، بر حذر داشته اند؛^۲ حال

۱. غیبت طوسی ص ۴۳۷، ارشاد مفید ج ۲ ص ۳۷۲

۲. آنچه در روایات متعدد بیان شده بر حذر داشتن از گرویدن به مدعیان و قیام کنندگان به عنوان قائم است اما اینکه در خصوص حذر کردن از گرویدن به مدعی ارتباط خاص با امام زمان روایات فراوان داشته باشیم، چیزی در خاطر نیست.

این ادعا چه ادعای نمایندگی و یا نیابت از حضرت عَلَيْهِ السَّلَام باشد و چه ادعای وصایت یا فرزندی او یا یمانیت یا هر چیزی شبیه به اینها. بنا بر احادیث شریفه، امامان ما، شیعیان را از هرگونه پیوستن بدین مدعیان، مگر پس از تحقق نشانه های حتمی ظهور، بر حذر داشته اند.^۱

از جمله این روایات:

روایت معتبر جابر بن یزید جعفی که می گوید: «از زمین حرکت نکن و در جای خود بنشین و جابجا نشو تا آنگاه که نشانه هایی که برایت میگویم ببینی اگر به آنها برسی»^۲؛ این روایت به چندین سند نقل شده است.

صحیحہ عمر بن حنظلہ^۳ که می گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که فرمود: پیش از قیام حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام، پنج نشانه رخ می دهد: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتن در زمین، کشته شدن نفس زکیه و یمانی. من عرض کردم: قربانت گردم، اگر فردی از خاندان شما پیش از دیده شدن این نشانه ها خروج کرد با او خروج کنیم؟ فرمود: نه.^۴

بله طبق توقیع شریف سمری و اتفاق نظر شیعه و نیز روایاتی که از عدم اطلاع شیعه از آن امام عزیز در غیبت کبری سخن می گوید، هر کس ادعای نیابت خاصه بکند دروغگوی افترا زننده است و حذر کردن از مدعی دروغگو امری بدیهی است. محقق

۱. این عبارت رسا نیست، زیرا پس از رخداد آن علائم هم گرویدن به هر گونه از مدعیان غلط است و با رخداد صیحه، شخص امام زمان علیه السلام ظاهر می شوند و نه سفیری می فرستند و نه فرزندی را علم می کنند و نه کس دیگری را. لذا بعد از رخداد این علائم ما به تنها کسی که خواهیم گروید، شخص قائم آل محمد ثانی عشر علیه السلام است. محقق

۲. غیبت نعمانی ص ۲۸۹

۳. صحیحہ دانستن روایت عمر بن حنظلہ بر اساس نظر شخصی سید خباز است، زیرا او توثیق رجالی ندارد. محقق

۴. کافی ج ۸ ص ۳۱۰. البته این علائم در این حدیث به ترتیب وقوع و بر مبنای زمان وقوع ذکر نشده است و ترتیب زمانی آن طبق احادیث فراوان به اینگونه است: خروج سفیانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء. درباره خروج یمانی

سدیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کند که فرمود: ای سدیر! ملازم خانه ات باش، چونان پلاسی از پلاسه‌های خانه ات پایبند خانه باش؛ و تا شب و روز آرامش دارند تو نیز آرام و ساکن باش، و چون به تو خبر رسید که سفیانی خروج کرده پیاده هم شده به سوی ما کوچ کن.^۱

بنابر روایت اول، تکلیف همگی روشن است؛ و آن اینکه پس از بروز و تحقق علامات ظهور می توان نسبت به روی آوردن به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةً لِّلْمُتَّقِينَ اقداماتی کرد؛ و مادامی که آن علامات رخ نداده است، تمام مدعیان مهدویت به طور قطعی و حتمی و کلی، بایستی مورد تکذیب قرار گیرند؛ و این حکم چه زمانی مرتفع می شود؟ زمانی که علامات ظهور به درستی روی دهد؛ و ما چه زمانی خواهیم داشت که علامات، روی داده است؟! زمانی که نسبت به نشانه های ظهور، شناخت درست پیدا کرده ایم.

روایت دوم نیز به روشنی در صدد بازداشتن از گرایش به مدعیان مهدویت بر آمده است و دلالت و بیان آن به حد کافی روشن است.

اختلاف نظر وجود دارد که با کدامیک از سه خروج سفیانی همزمان خواهد بود، زیرا در جای خود در پرتو روایات ثابت کرده ایم که سفیانی سه خروج دارد: خروج در منطقه شامات برای تشکیل حکومت، خروج به منطقه عراق برای کشتار شیعیان، و خروج به سمت مدینه برای کشتن قائم علیه السلام، و نظر حقیر اینست که یمانی در حد فاصل بین ظهور تا قیام حضرت مهدی علیه السلام قیام می کند و به همین خاطر می تواند به امام زمان علیه الیلام دعوت کند، لذا مراد از همزمان بودن خروج او با خروج سفیانی، خروج دوم یا سوم اوست نه اولین خروج. محقق

۱. همان ص ۲۶۵. مراد از «سوی ما» شهر مدینه است زیرا گوینده این روایت امام صادق علیه السلام هستند که در مدینه بوده اند، همچنین قائم علیه السلام نیز بعد از خروج سفیانی به عراق و رخداد صیحه آسمانی به مدینه می روند. طبیعی است از آنجا که هنگام خروج اول سفیانی هنوز حضرت قائم علیه السلام ظهور نفرموده اند امر امام صادق علیه السلام به آمدن به سوی آنها معنا پیدا نمی کند چون هنوز کسی نیامده که ما به سویش برویم لذا مراد اینست که به شهر ما بیا که وجهی ندارد و یا اینکه مراد، خروج دوم یا سوم سفیانی است. محقق

و اما روایت سوم با بیانی شرطی پا به میدان گذاشته است؛ بدین معنی که امام، جمله جزاء: «خروج و همراهی با مهدی» را، مشروط به جمله شرط: «خروج سفیانی» کرده است؛ لذا مادامی که سفیانی خروج نکرده باشد، هرگونه گرایش به هر مدعی مهدویت، انحراف از مسیر حق است.

می توان از روایات فوق اینگونه نتیجه گرفت که: ما پیش از تحقق نشانه های ظهور، مکلف به درنگ و دوری از هرگونه گرایشی به هر کسی هستیم؛ و این مطلب - یعنی امر مهم شناخت وظیفه شرعی ما در دوران غیبت کبری - منوط به تفقه و درک صحیح نشانه های ظهور مقدس امام زمان است.

از طرفی لازم به تذکر است که حتی پس از تحقق علامات نیز قرار نیست هر مدعی مهدویت را تأیید کنیم! بلکه برای هر چیزی، قوانین و ضوابطی است که با کلام امامان معصوم ما علیهم السلام به خوبی تبیین شده است و این شاء الله برخی از بیانات امامان ما علیهم السلام در این باره در ادامه کتاب عنوان و مطرح خواهد شد.^۲

۱. این سخن روشن نیست، زیرا بعد از تحقق علائم ظهور شخص امام زمان علیه السلام تشریف می آورند و اصلاً بستری برای بروز مدعی دروغین وجود ندارد. محقق

۲. قوانین تشخیص حجت الهی از مدعیان دروغین، در سرفصلهای دیگر از کتاب المهدویه الخاتمه بررسی شده است که ان شاء الله در بخش های دیگر از ترجمه این کتاب ارزشمند، ارائه خواهد شد. مترجم

خلاصه سخن اینکده:

با توجه به آنچه در این فصل گفتیم: ملاک های سه گانه ارزش گذاری نشانه های ظهور، به تنهایی در دانستن میزان ارزش نشانه های ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَجَعَهُ الْمُرْتَفِعَ، کفایت می کند؛ و شایسته است که برادران و خواهران مومن در این دانش، از متخصصان این علم بهره بسیار برده و در صدد آموختن این علم عمیق و دقیق برآیند؛ آن هم در دورانی که بازار ادعاها و مدعیان دروغین، داغ و دکانشان، پر مشتری است.

روشنگری های

درباره نشانه های ظهور

• روشنگری هایی درباره نشانه های ظهور

این فصل متشکل از پنج مبحث است:

❖ مبحث اول. دسته بندی نشانه های ظهور

نشانه های ظهور را می توان به همان دو دسته مشهور، تقسیم بندی کرد:

دسته اول. علامات حتمی.

دسته دوم. علامات غیر حتمی؛ یا علامات موقوفه؛ همچنانکه در برخی روایات بدین نام

آمده است.^۱

تفاوت میان دسته اول با دوم، اینچنین است که:

اولاً نشانه های حتمی در واقع، نشانه هایی هستند که رخ دادنشان، ضروری هستند و از

خلال روی دادن این نشانه ها می توان از فرارسیدن روز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف آگاه شد.

اما نشانه های غیر حتمی، در واقع نشانه هایی هستند که تحقق و عدم تحققشان در ترازوی

احتمالات است؛ به طور مساوی احتمال دارد این علامت، رخ دهد و احتمال دارد بداء حاصل

شده و رخدادش، به کلی دگرگون شود.

۱. همانند روایت غیبت نعمانی: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُورًا مَوْقُوفَةً وَأُمُورًا مَحْتُمَةً وَإِنَّ السُّفْيَانِيَّ مِنَ الْمَحْتُمِ الَّذِي لَا بَدَّ مِنْهُ». غیبت نعمانی ص ۳۰۱ (گردآورنده)

به عبارت دیگر: تفاوت میان این دو نشانه، تفاوت میانِ وجوب و امکان است؛ بدین صورت که نشانه های دسته اول واجب الوقوع هستند و ثبوت محمول نسبت به موضوعش، الزامی و ضروری است؛ اما نشانه های دسته دوم، ممکن الوقوع بوده و محمول می تواند از موضوعش، سلب شده و می تواند بدون ضرورت، روی دهد. پس نسبتِ ایجاب یا سلب در وقوع، متساوی بوده و احتمال وقوع، بین وقوع یا عدم وقوعش، مساوی است.

این تقسیم بندی طبق روایات شریفه صورت گرفته و در قالب: علامات حتمی و علامات غیر حتمی، عنوان شده است؛ این تقسیم بندی از طرفی حصر عقلی هم دارد؛ به گونه ای که علامات به خودی خود یا واجب الوقوع خواهند بود و یا ممکن الوقوع؛ و حالت سومی ندارد که بخواهیم دسته سومی فرض بگیریم که علامتی ممتنع الوقوع باشد و ضرورت بر عدم وقوعش باشد، در حالیکه وقوعش هم جزو علامات بر شمرده شده باشد! لذا با توجه به این نکات، آن نشانه ای که وقوعش ضروری است، با عنوان علامات حتمی یاد شده، و بر آن نشانه ای که ممکن است رخ دهد، علامات غیر حتمی اطلاق می شود.

❖ **مبحث دوم. علامات حتمی**

این مبحث حاوی دو مطلب است:

✓ **مطلب اول. نکته راهبردی مهم در پژوهش علامات ظهور**

راهبرد بررسی علامات ظهور در این کتاب به طور خلاصه بدین قرار است:

ما در این کتاب از مطالعه و آموزش علامات غیر حتمی چشم می پوشیم؛ چرا که ارتباط چندانی با راهبرد موجود در این کتاب ندارد؛ زیرا:

دلیل اول. با توجه به اینکه نشانه های ظهور به دو دسته کلی علایم حتمی و غیر حتمی تقسیم شده اند، درست نیست که رو به شناخت نشانه های غیر حتمی و موقوفه بیاوریم؛ چرا که این نشانه ها ممکن است محقق شود و ممکن است ، نشود. قبول دارم که روی آوردن به شناخت علامات غیر حتمی ثمرات متعددی دارد، از جمله: گسترده تر شدن دید شناخت و نیز ژرفا پذیری درک فرهنگ نشانه های ظهور؛ اما روند ما در این کتاب مبتنی بر این نیست که نشانه های ممکن الوقوع را در معرض آموزش و بررسی قرار دهیم.

دلیل دوم. این پژوهشنامه، شناخت محور و بنیادپژوه است؛ لذا ادله ای که مورد مطالعه و بررسی ما قرار می گیرد، همواره دلایلی یقین آور و یا نزدیک به ادله یقین آور می باشد؛ و این شرط -یعنی یقین آور بودن ادله- در اغلب نشانه های غیر حتمی، احراز نمی شود؛ بگونه ای که بیشتر این نشانه ها با خبرهای واحد و اغلب با سند ضعیف نقل شده است؛ بر خلاف نشانه های حتمی که بنا بر ادله یقین آور و اسناد قابل اعتماد ثبت و ضبط گردیده است.

✓ مطلب دوم. گستره کلی نشانه های حتمی

مشهور است که نشانه های حتمی، تنها پنج علامت است؛ اما در واقع: شش علامت است. و روایات معتبری درباره این علامات شش گانه وارد شده و در صدد تبیین آن علامات بر آمده است. اما پنج نشانه در یک سیاق آمده و علامت ششم در سیاقی دیگر وارد شده است.

علامات حتمی را نیز می توان به دو دسته تقسیم کرد:

نشانه های زمینی.

نشانه های آسمانی.

نشانه های زمینی عبارت است از: خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و قتل نفس زکیه و فرو نشستن زمین بیداء.

و نشانه های آسمانی عبارت است از: صیحه و طلوع خورشید از سوی مغرب.^۱

روایات معتبری بدین امر دلالت می کند؛ از جمله:

۱. نظر بنده طبق تحقیقی که در روایات این موضوع کرده ام این است که طلوع خورشید از مغرب جزء اشراف قیامت است نه علائم ظهور قائم علیه السلام، از جمله: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ ... وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا ... وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ»: (الخصال ج ۲ ص ۴۳۱-۴۳۲)؛ و: «عَشْرُ آيَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ ... وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا ...»: (الخصال ج ۲ ص ۴۴۷)؛ و: «إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ السَّاعَةَ حَتَّى تَرَوْنَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ طُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا ...»: (الخصال ج ۲ ص ۴۴۹)؛ و: «عَشْرُ قَبْلِ السَّاعَةِ لَا بُدَّ مِنْهَا وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا»: (الغيبة للطوسی ص ۴۳۶). محقق

روایت صحیحہ عمر بن حنظلہ کہ: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام، پنج نشانه رخ خواهد داد: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتگی در سرزمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی.^۱

روایت معتبر ابو حمزه ثمالی که گوید: به خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام باقر علیه السلام می فرمودند: خروج سفیانی، ندای آسمانی و طلوع خورشید از مغرب، از جمله رویداد هایی هستند که حتما رخ میدهند و امور دیگری را هم می فرمودند که حتما رخ میدهند.^۲ همانطور که می بینید، این دو روایت، دلیلیست بر هر آنچه در این فصل عنوان نمودیم.

۱. کمال الدین و تمام النعمه ص ۶۵۰، کافی ج ۸ ص ۳۱۰ به سند صحیح دیگر از عمر بن حنظلہ. عمر بن حنظلہ توثیق ندارد لذا صحیحہ دانستن روایت او بر اساس نظر شخصی مولف می باشد؛ صحیحہ دانستن روایت عمر بن حنظلہ بر اساس اثبات وثاقت او توسط شواهد رجالی و روایی است؛ اگرچه وی توثیق مستقل رجالی ندارد. محقق

۲. غیبت طوسی ص ۴۳۵. اولاً صرف اینکه طلوع خورشید از مغرب جزء امور حتمی شمرده شده تلازمی با این ندارد که جزو علایم حتمی ظهور امام است؛ زیرا محتوم بودن شیء یک مطلب است و از علامت حتمی ظهور بودن شیء، مطلبی دیگر، ثانیاً اگر به سیاق روایت توجه شود کاملاً مشخص است که این روایت بهیچ عنوان در صدد بیان علائم حتمی ظهور امام نیست زیرا در ادامه همین روایت، خود خروج قائم هم جزء محتومات شمرده شده است که می رساند این روایات صرفاً درباره چیزهایی که حتماً در طول تاریخ اتفاق می افتد سخن می گوید چه قسمتی از علائم حتمی ظهور باشند و چه دیگر رخداد های حتمی این عالم. اتفاقاً فرقه مدعی یمانی گری، چون مرتکب همین اشتباه شده اند لذا از این روایت استنباط کرده اند که قائم این امت چند نفر است. آنها می گویند: در این روایت خروج قائم جزء محتومات شمره شده در حالیکه محتومات جزء علائم خروج قائم است؛ لذا این قائم خودش علامتی بر آن قائم می باشد. در حالیکه با این بیان ما، سخن آنها در معرض بطلان و پوکی قرار می گیرد و ناشی از فهم اشتباه آنان از روایات اهل بیت است.

شاید کسی پرسد: پس چرا این روایت در کتاب غیبت طوسی آمده که روایات مربوط به مهدویت را گرد آورده است؟ پاسخ می دهیم: چون در این روایت از خروج قائم و بعضی از رخداد های دوره ظهور ایشان سخن گفته شده است، نه اینکه تمام مفاد آن، صرفاً محدود به امر مهدویت و ظهور باشد؛ لذا شیخ طوسی این حدیث را در غیبت گنجانده و جزو روایات دال بر امر امام مهدی و ظهورش، آورده است؛ و این بدان معنا نیست که تمام فراز های این حدیث تنها مربوط به مسائل ظهور و ماقبل ظهور باشد. محقق

❖ مبحث سوم: بیان ویژگی های علامات حتمی

✓ نشانه اول: سفیانی

روایات شریفه پیرامون شخصیت سفیانی و رویدادهای مرتبط با او، مطالب زیادی گفته اند که خلاصه آنچه در روایات آمده را به طور اجمالی به شرح زیر عنوان می کنیم:

○ ویژگی اول. نام و نژاد و ویژگی های ظاهری

روایات شریفه در صدد بیان نام و نشان سفیانی بطرز دقیق برآمده است و این مطالب بگونه ای بیان شده است که امکان روپوشانی و تلبیس برای مردم وجود ندارد؛ این روایات در صدد بیان نام و مکان خروج و ویژگی های ظاهری او می باشد، از جمله:

روایت اول. عمر بن اذنیه می گوید: امام صادق علیه السلام نقل از امیر المومنین علیه السلام فرمود: پسر هند جگرخوار (سفیانی) از بیابان خشک بیرون می آید، او مردی با قد متوسط، صورت وحشتناک و سری درشت و چهره ای آبله رو است. اگر او را ببینی خیال می کنی که یک چشمی است. اسمش عثمان و پدرش عنبسه و او از اولاد ابو سفیان است. او خروج می کند و به سرزمینی ایمن و آرام، می آید و بر منبر آن می نشیند.^۱

روایت دوم. صحیحه عمر بن یزید که می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: سفیانی خبیثترین مردمان است؛ او مردی کبود و سرخ و بنفش گون است، می گوید: خدایا انتقام خون

من، انتقام خون من! سپس آتش (جهنم)! و از خبائثش آن است که کنیزی را که از او صاحب فرزند است زنده زنده در گور می‌کند از ترس آنکه مبادا مکانش را لو بدهد.^۱

این روایات به روشنی در صدد بیان نام و نشان و ویژگی های ظاهری او بر آمده است؛ ویژگی هایی که هر انسانی از نزدیکی بدان تنفر پیدا می‌کند. و نیز نام و نژاد اموی او و محل خروجش در این روایات به روشنی اعلان شده است.

○ ویژگی دوم. هنگامه جنبش و مدت زمان قیام او

بنا بر روایات شریفه، سفیانی در ماه رجب بر خواهد خاست؛ و او بر سرزمین های پنجگانه مسلط خواهد شد که عبارت اند از: دمشق و فلسطین و اردن و حمص و حلب.

و اما مدت زمان قیام و تسلط او تقریباً کمی بیش از یک سال است؛ بگونه ای که چند ماه مشغول کشتار و جنگ شده و نه ماه بر آن سرزمینها حکمرانی می‌کند.

در روایت معتبره از معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «امر سفیانی جزو نشانه های حتمی است و خروج او در رجب است».^۲

و در روایت معتبر از عیسی بن اعین از امام صادق علیه السلام نقل است که: «سفیانی از علایم حتمی است و خروج او در ماه رجب خواهد بود و از آغاز خروجش تا پایان آن جمعاً پانزده ماه است که در

۱. همان.

۲. کمال الدین و تمام النعمه ص ۶۵۲.

شش ماه آن جنگ و پیکار می‌کند، و چون شهرهای پنجگانه را به دست آورد نه ماه حکمرانی خواهد کرد، بدون آنکه یک روز بر آن مدت افزوده شود.^۱

○ ویژگی سوم: دیدگاه سفیانی نسبت به شیعیان

از روایات شریفه اینچنین بر می‌آید که دیدگاه سفیانی نسبت به شیعیان امیر المومنین علیه السلام، ستیزه جویانه و کینه توزانه است؛ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «گویا سفیانی یا یاور سفیانی را می‌بینم که در شهر شما که کوفه باشد فرود آمده و منادی ندا می‌دهد: هرکس سر یکی از شیعیان علی را بیاورد هزار درهم پاداش دارد. پس همسایه، همسایه را می‌گیرد و می‌گوید:

۱. غیبت نعمانی ص ۳۱۰. محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: سفیانی بعد از ظهورش بر پنج مملکت به مدت حمل زن [یعنی نه ماه] مالک می‌شود و سلطنت می‌کند. بعد از آن فرمودند: استغفر الله بلکه به قدرت مدت حمل شتر حکمران می‌شود و آن از جمله امور محتومه است و باید واقع بشود. گردآورنده

مدت حاملگی شتر ماده حدود ۱۲ الی ۱۳ ماه است و آنچنان تفاوت گزافی وجود ندارد؛ چرا که برخی از ویژگی های علامات حتمی می‌تواند به اندازه کوتاه دچار بداء بشود؛ و ای بسا این تردید من باب لحاظ کردن این حقیقت است. (گردآورنده)

می‌گویم: اینکه امام علیه السلام از حرف قبلی خود استغفار کنند نه با احتمال وقوع بداء سازگار است چون بداء که استغفار ندارد و نه با عصمت امام علیه السلام می‌سازد چون استغفار ظهور در این دارد که ایشان حرف قبلی را اشتباه گفته اند لذا هر چند احتمال بداء در جزئیات بسیار خرد در علائم ظهور می‌تواند به عنوان یک نظریه مطرح شود اما حمل استغفار امام بر امکان وقوع بداء جایی ندارد.. افزون برآن، این تعبیر درباره مدت حکومت سفیانی کاملاً تک و منحصر به فرد است اما تعبیر حمل زن یا نه ماه در دیگر روایات هم بیان شده است، برای همین مرحوم شیخ حر عاملی احتمال داده است که این فقره جزو کلام راوی باشد نه کلام امام علیه السلام: (إثبات الهداة ج ۵ ص ۳۵۷). و اینکه گفتم جزئیات بسیار خرد، مراد اینست که علامتی که توسط اهل بیت علیهم السلام برای هدایت شیعیان به قائم حقیقی بیان شده از علامت بودن خود نیفتد و مثل ادعای جریان مدعی یمانی گری نشود که ادعا می‌کنند: در خروج یمانی از یمن بداء شده واز بصره سر در آورد!!!

این از همان‌ها است (یعنی شیعه علی مرتضی است)؛ پس گردن او را می‌زند و هزار درهم می‌گیرد.»^۱

با توجه به این روایات هراس انگیز، دست سفیانی تا مرفق به خون شیعیان آلوده خواهد شد؛ همچنان که دست اجداد سفیانی به خون اجداد شیعیان و امامانشان علیهم‌السلام آغشته بود.

✓ نشانه دوم. ندای آسمانی

روایات شریفه، پنج ویژگی مهم برای ندای آسمانی (صیحه) برشمرده اند که بدان اشاره می‌کنیم:

○ ویژگی اول. حقیقتِ ندای آسمانی

در روایتی صحیح از عبد الله بن سنان آمده است که می‌گوید: خدمت امام صادق علیه‌السلام بودم و شنیدم مردی از همدان به آن حضرت می‌گفت: این عامه (غیر شیعیان) ما را مورد عیبجوئی و سرزنش قرار می‌دهند و به ما می‌گویند: شما می‌پندارید ندا کننده‌ای از آسمان به نام صاحب این امر آوا در خواهد داد. آن حضرت که هنگام شنیدن این مطالب، تکیه داده بود، خشمگین شد و به حالت نشسته در آمد، سپس فرمود: آن را از من روایت نکنید؛ بلکه از پدرم روایت کنید و اشکالی بر شما در آن نیست، من گواهی می‌دهم که خودم از پدرم شنیدم می‌فرمود: به خدا سوگند این در کتاب خدای عزّ و جلّ کاملاً روشن است آنجا که می‌فرماید: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً...» اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان بر ایشان فرو فرستیم که گردنهای ایشان برای آن خاضع و ذلیل گردد». پس در آن هنگام هیچ کس در زمین نماند مگر آنکه مقابل آن

فروتنی کرده و گردنش فرود آید، و اهل زمین ایمان آورند وقتی آن صدا را بشنوند که از آسمان ندا می دهد: «آگاه باشید حق با علی بن ابی طالب و پیروان اوست».^۱

در صحیحہ ابو حمزہ ثمالی آمده است که: حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: ندای آسمانی چگونه خواهد بود؟ فرمود: «آغازین ساعات روز از آسمان فریادی بلند خواهد شد که: حق با آل علی و شیعیان آنها است، و در آخر روز هم شیطان فریاد می زند: حق با عثمان و شیعیان اوست، در این هنگام اهل باطل به تردید خواهند افتاد».^۲

و در خبری از امام باقر علیه السلام آمده است: «و نشانه آن این است که به نام قائم و نام پدر او ندا می شود بگونه ای که دختر خانه نشین از پس پرده آن را بشنود و پدر و برادرش را به خروج تشویق کند».^۳

و دیگر روایات که از آن برداشت می شود صیحه به ذکر قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف تمام می شود و در آن تصریح می شود که حق با علی و شیعیان اوست.

○ ویژگی دوم. شخص ندا دهنده

از روایت ابو بصیر اینچنین دانسته می شود که ندا دهنده، جبرئیل امین است؛ همچنانکه در روایت امام باقر علیه السلام آمده است: آن صیحه جز در ماه رمضان که ماه خدا است بر اریکه آسمان طنین انداز نخواهد شد. این صیحه، همان آوای بس بلند جبرئیل بدین مردمان است، بعد فرمود: ندا کننده ای از آسمان به نام حضرت قائم ندا سر می دهد و هر که در مشرق و مغرب است، آن را می شنود، هیچ خفته ای نمی ماند مگر اینکه بیدار می گردد، و هیچ ایستاده ای نمی ماند مگر

۱. غیبت نعمانی ص ۲۶۸

۲. کمال الدین و تمام النعمه ص ۶۵۳

۳. غیبت نعمانی ص ۲۶۲

اینکه می‌نشیند، و هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند مگر اینکه از وحشت آن صدا بر دو پای خویش بر می‌خیزد، پس خداوند هر که را بدان آواپند پذیرد و پاسخ گوید مورد رحمت قرار دهد که آن صدا نخستین آوای جبرئیل روح الامین علیه السلام است.^۱

○ ویژگی سوم: زمان رخداد صیحه

بنابر روایت صحیح السند حارث بن مغیره: صیحه در شب قدر رخ می‌دهد؛ همچنانکه وی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: صیحه آسمانی که در ماه رمضان واقع می‌شود در شب بیست و سوم آن ماه خواهد بود.^۲

○ ویژگی چهارم: زبان گفتاری ندای آسمانی

در روایت صحیح زراره از امام صادق علیه السلام آمده است: ندا کننده‌ای قائم علیه السلام را به نام می‌خواند. گفتم: ندای فردی و اختصاصی است یا ندای همگانی؟ فرمود: ندای همگانی است! و هر ملتی به زبان خود آن را می‌شنود.

گفتم: پس چه کسی با قائم مخالفت می‌کند، در حالی که او را به نام می‌خوانند؟

فرمود: ابلیس آنان را رها نکرده و او نیز در آخر شب ندا می‌کند و مردم را به تردید وا می‌دارد.^۳ این روایت نصی است دال بر اینکه صیحه، ندایی همگانی است، هر قومی با زبان خود این ندا را خواهند شنید؛ اما سنت خداوند بر این است که همواره در هر دورانی غربال و آزمونی روی دهد و انسانهای پاک از آلودگان متمایز شوند؛ لذا در پی ندای آسمانی جبرائیل، ابلیس

۱. غیبت نعمانی ص ۲۶۲ و ۲۶۳

۲. کمال الدین ص ۶۵۲

۳. همان ص ۶۵۰-۶۵۱

نیز ندایی دیگر سر خواهد داد تا مردم را باز هم بفریبید؛ اما مومنان حقیقی با بصیرتی که به امر خود دارند، از امامان خود می آموزند که ندای نخست، همان ندای حق است و لذا در پی آن خواهند بود.

○ ویژگی پنجم: ندای آسمانی؛ آزمونی بزرگ

از روایات پیشین اینچنین بر آمد که ما با دو آوازه مهیب رو به رو هستیم؛ ندای اول، آوازی آسمانی است که آوازه نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و حقانیت علی علیه السلام و شیعیان علی علیه السلام است؛ اما ندای دوم زمینی و شیطانی است. لذا ما مأمور به پیروی از ندای نخست هستیم تا از فتنه های سخت آن لحظات در امان باشیم و بتوانیم از این آزمون بزرگ، سالم و سرافراز بیرون آییم.

گوشزد می کنیم که ادعای وجود اختلاف میان عنوانین «ندای آسمانی» و «صیحه» در برخی از روایات، ادعایی دارای اشکال است؛ چرا که ظاهر روایات شریفه دلالت بر این دارد که این دو حاکی از رویداد یک نشانه آسمانی هستند.

✓ نشانه سوم. خروج یمانی

در این صفحات به طور اجمالی و کلی درباره ویژگی های یمانی سخن خواهیم گفت و بحث مفصل و اصلی را نگه می داریم برای زمانی که در صدد بررسی شبهات یکی از مدعیان که ادعای یمانی گری دارد، برآمده ایم. چرا که بررسی شبهات و نقد ادعاهای گزاف آن مدعی، نیازمند بیان مطالب طولانی تری می باشد؛ لذا در این فصل به بیان سه ویژگی از یمانی بسنده می کنیم:

○ ویژگی اول. آغاز جنبش یمانی از سوی یمن

بنا بر روایات متعدد، یمانی از یمن خواهد خروشد؛ همچنانکه در روایت محمد بن مسلم آمده است: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: قائم از ما به واسطه ترس، پیروز است.

سپس محمد بن مسلم از ایشان پرسید: یا بن رسول الله! قائم شما کی خروج می کند؟

امام پاسخی طولانی به او داد و در قسمتی از این پاسخ آمده است: و خروج سفیانی از شام و یمانی از یمن. ۱

و در روایت عبید بن زراره آمده است: نزد امام صادق علیه السلام درباره سفیانی سخن شد، پس فرمود:

سفیانی چگونه خروج کند در حالیکه درهم شکننده چشمه‌هایش از صنعا نخروشیده است؟! ۲

۱. کمال الدین ص ۳۳۱

۲. غیبت نعمانی ص ۲۸۶

○ ویژگی دوم: همزمانی جنبش یمانی با جنبش سفیانی

در روایت صحیح از امام صادق علیه السلام آمده است^۱ که فرمود: خروج این سه؛ خراسانی و سفیانی و یمانی در يك سال و يك ماه و يك روز خواهد بود^۲ و هیچ پرچمی در میان آنها به اندازه پرچم یمانی رهنمون گر نمی‌باشد؛ او به حق راهنمایی می‌کند.^۳

و تا اینجا می‌توان یمانی را از دو ویژگی کلی شناخت:

اول. یمانی از صنایع یمن خروج می‌کند؛ در ادامه این کتاب پیرامون این ویژگی بیشتر سخن خواهیم گفت.

دوم. جنبش یمانی توأم و همزمان با جنبش سفیانی در شام و خراسانی از خراسان یا مشرق خواهد بود.

و ثمره ای در گرفتن یک ویژگی و رها کردن دیگر ویژگی‌ها نیست؛ تمام این ویژگی‌ها بایستی در کنار همدیگر بررسی و معتبر شود.

۱. صحیح خواندن این روایت از این جهت است که راویان این حدیث ثقه هستند اما طبقات آنها به هم نمی‌خورد زیرا فضل بن شاذان از سیف بن عمیره حدیث نقل نمی‌کند لذا روشن می‌شود سند این حدیث افتادگی دارد و واسطه بین فضل به شاذان و سیف بن عمیره سقط شده است، در نتیجه سند این حدیث مرسل نه صحیح. محقق

۲. در این مورد که خروج این سه در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود دو روایت بیشتر وجود ندارد یکی همین روایت عرض کردیم ظاهراً مرسل است و دیگری حدیثی با سند ضعیف در غیبت نعمانی ص ۲۵۵ که بلا فاصله تعبیری دارد که باید با این همزمانی در روز ناسازگار است زیرا می‌گوید: «نظام کنظام الخرز» و این پشت سر هم بودن را می‌رساند تا با هم بودن را. بله در روایات متعدد از تقابل خراسانی و یمانی با سفیانی سخن گفته شده که ثابت می‌کند آنها در یک دوره هستند، اما اینکه دقیقاً در روز قیام می‌کنند ثابت نیست. محقق

۳. غیبت طوسی ص ۴۴۶

○ ویژگی سوم. پرچم یمانی، هدایت گر ترین پرچم است

روایات گوناگونی اشاره بدین دارد که پرچم یمانی هدایت گر ترین پرچم است^۱؛ همانند روایت صحیحہ ازدی از امام صادق علیه السلام^۲ که: «هیچ پرچمی در میان آن سه پرچم به اندازه «پرچم یمانی» رهنمون گر نمی باشد؛ چرا که او به حق راهنمایی می کند»^۳.

✓ نشانه چهارم: قتل نفس زکیه

بنا بر روایات شریفه، نفس زکیه یکی از سادات علوی از سلاله نبی خدا صلی الله علیه و آله است و نام او محمد بن حسن است؛ همچنانکه در روایت محمد مسلم آمده است: «و کشته شدن جوانی از آل محمد میان رکن و مقام؛ که نام او محمد بن الحسن نفس زکیه است»^۴.

طبق روایات شریفه، ظاهراً این نشانه، آخرین نشانه ظهور مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است^۵.

همچنانکه در روایت صالح مولی بنی عذراء از امام صادق علیه السلام آمده است: «مدت زمان ما بین قیام قائم آل محمد و قتل نفس زکیه، بیش از ۱۵ شب نخواهد بود»^۶.

۱ . اولاً در این زمینه تنها همان دو روایت وجود دارد که گفتیم اعتبار سندی ندارد، لذا تعبیر «روایات گوناگون» از جانب مولف صحیح نمی باشد، ثانیاً هدایتگر بودن پرچم او تنها به نسبت پرچم خراسانی و سفیانی بیان شده است نه به صورت مطلق. محقق

۲ . گفتیم ظاهر سند این روایت، مرسل است نه صحیح. محقق

۳ . غیبت طوسی ص ۴۴۶

۴ . کمال الدین و تمام النعمه ص ۳۳۱

۵ . آنچه در روایات آمده درباره نفس زکیه آمده تماماً آن را علامت قبل از قیام شمرده اند نه علامت ظهور. توضیح آنکه: بین ظهور قائم موعود علیه السلام و قیام ایشان سه ماه و اندی فاصله است و این پنج علامت معروف در فاصله زمانی قبل از ظهور تا قبل از قیام رخ می دهند و قتل نفس زکیه بعد از ظهور و قبل از قیام رخ می دهد. محقق

۶ . همان ص ۶۴۹

✓ نشانه پنجم و ششم: فرورفتن بیداء و طلوع خورشید از سوی مغرب

این دو نشانه تکوینی هرگز دچار تلبیس و فریبکاری نمی شوند؛ و پیش از رخ داد این دو علامت، نمی توان به هیچ مدعی رو آورد؛ همچنانکه در روایت معتبر جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام آمده است: «فرمانده سپاه سفیانی در بیداء فرود می آید پس ندا دهنده‌ای از آسمان آواز می دهد: ای بیداء این قوم را نابود نما پس زمین آنان را فرو می برد و به جز چند نفر نجات نمی یابند که خداوند صورت آنان را به پشت بر میگرداند».^۱

و در روایت معتبر ابوحمزه ثمالی آمده: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم که امام باقر علیه السلام می فرمودند: «خروج سفیانی، ندای آسمانی و طلوع خورشید از مغرب، از جمله رویداد های حتمی هستند و امور دیگری را هم می فرمودند که جزو رویداد های حتمی هستند.»^۲

با این روایت، مطالب خود پیرامون سومین مبحث از مباحث نشانه های ظهور را پایان می

دهیم.^۳

۱. غیبت نعمانی ص ۲۸۸. این علامت هم بعد از ظهور و کمی قبل از قیام رخ می دهد و ظاهراً این آخرین علامت است نه قتل نفس زکیه، زیرا طبق تصریح روایت قتل نفس زکیه وقتی اتفاق می افتد که حضرت مهدی علیه السلام هنوز در مدینه هستند اما خسف بیداء بعد از خروج ایشان از مدینه هنگام هجرت به مکه اتفاق می افتد و بعد از رسیدن ایشان به مکه هم که قیام علنی می شود. محقق

۲. غیبت طوسی ص ۴۳۵. توضیح این روایت گذشت که مراد از محتوماتی که در این روایت ذکر شده است علائم محتوم ظهور نیست چون در ادامه خود خروج قائم را هم جزء محتومات شمرده است؛ در نتیجه از این روایت بر نمی آید که طلوع خورشید از مغرب جزء علائم ظهور است و همانگونه که گذشت، به نظر بنده این از علائم قرب قیامت و اشراف الساعة است که در آن هنگامه حوادث تکوینی بزرگ و تغییرات فلکی محسوسی رخ می دهد. محقق

۳. اگر ملاک تعداد علائم محتوم روایات بدون در نظر داشتن اعتبار آنها باشد، چیزهایی دیگری مثل ظهور کف در آسمان و خروج خراسانی نیز از علائم محتوم شمرده شده است و بر مولف بود که آنها را نیز ذکر و بررسی می کرد که البته این دو به علت نا معتبر بودن روایاتشان قابل اثبات نیستند. و اگر ملاک صرف محتوم شمرده شدن باشد بدون اینکه اشاره ای به علامت ظهور بودن آن شده باشد بر مولف بود که بقیه مواردی که در آن روایت شمرده شده را نیز به عنوان علامت

❖ بحث چهارم: آیا در علایم حتمی نیز بداء رخ می دهد؟! ❖

این بحث نیز اهمیت زیادی دارد؛ در روایت داود بن قاسم جعفری آمده است: «ما در محضر امام جواد علیه السلام بودیم و سخن از سفیانی به میان آمد و آنچه در روایات آمده که امر او از علایم حتمی است، من به آن حضرت عرض کردم: آیا خدا را در امور حتمی، بداء پدید می آید؟ فرمود: آری، به آن حضرت عرض کردیم: پس با این ترتیب ما می ترسیم که در مورد قائم نیز خدا را بداء حاصل شود، فرمود: قائم از وعده های الهی است، و خداوند خلاف وعده خود رفتار نمی کند»^۱.

پرسی که مطرح می شود این است که: چطور می توان آن نشانه ها را حتمی دانست - همچنانکه بنابر روایات صحیح، نشانه هایی حتمی هستند- و طبق این روایت اعتراف کرد که در آن نشانه های حتمی، بداء رخ می دهد؟ آیا میان وقوع بداء در این علامات با حتمی الوقوع بودنشان، تعارض نیست؟

محتوم ذکر کند. در نتیجه حق اینست که علائم محتوم قبل از رخداد قیام امام زمان علیه السلام پنج تاست همانگونه که با روایات معتبر اثبات می شود. محقق

۱. راوی این حدیث فردی مجهول است که نامش در سند هیچ روایت دیگری وجود ندارد، همچنانکه از نظر محتوا منحصر به فرد است و هیچ روایت دیگری که سخن از امکان رخداد بداء در امر محتوم زده باشد، وجود ندارد. در نتیجه بحث بر سر امکان وقوع بداء در محتومات با تکیه بر این تک روایت، از اساس صحیح نیست. محقق

به عبارت دیگر: امر حتمی، همچنانکه در لغت و عرف شناخته می شود، یعنی امری که دچار تغییر و دگرگونی نمی شود. اما حقیقتِ بداء یعنی تغییر و دگرگونی؛ حال چطور می توان این دو مفاد را در یک ظرف، گرد آورد؟

پاسخ

نسبت به این پرسش، سه پاسخ مطرح میشود:

○ پاسخ اول. امکان وقوع بداء در نشانه های حتمی

مرحوم محدث نوری قائل به این نظریه است و برای اثبات آن دو مقدمه مطرح می کند:

مقدمه اول. مراد از محتوم صرفاً به معنی ضروری الوقوع و امری که تبدیل یا تغییر نپذیرد، نیست؛ بلکه مراد از حتمیت در این روایات، تأکید زیاد و مبالغه در امکان وقوعش می باشد.

مقدمه دوم. مقتضای تأکید فراوان معصومین به این علامات، درصد خیلی کم وقوع بداء در آن است؛ بر خلاف علامات غیر حتمی که امکان وقوع بداء بسیار است؛ و پر واضح است که درصد کم بداء الزاماً به معنی نفی امکان وقوع بداء نیست.

در نتیجه: بداء می تواند در علامات حتمی نیز رخ دهد؛ و این امر در تعارض با اخبار دال بر حتمیت وقوعشان نیست؛ چرا که مقصود از حتمیت وقوع، به معنی ضرورت وقوع نیست و

مقصود حقیقی از آن تأکید فراوان بر احتمال وقوع است؛ بگونه ای که احتمال وقوع بداء در این علامت را بسیار کمتر از احتمال وقوع خود این علامت، تعریف می کند.^۱

به عبارت دیگر: خلاصه نظریه محدث نوری اینچنین است که: راه حل تعارض بین دو روایت^۲، حمل حتمیت به مبالغه و تأکید است؛ بگونه ای که با احتمال وقوع بداء در تضاد نباشد؛ همچنانکه مقتضای خبر داود بن قاسم نیز همین است؛ اما درصد وقوع این احتمال، کمتر از درصد وقوع آن در علایم غیر حتمی است.^۳

۱. اما بر انسان مطلع پوشیده نیست که هر دو مقدمه ایشان باطل بوده و تنها به صرف دفاع از روایت ابو هاشم جعفری آن همه تأکید و تصریح در روایات متعدد را اینگونه توجیه نموده است. در نتیجه نه محتوم به آن معنایی است که ایشان گفته اند و نه مراد روایات از علائم محتوم، کم بودن احتمال بداء در آنهاست. محقق

۲. تعارض وقتی بین دو روایت رخ می دهد که هر دو از نظر سند دارای اعتبار باشند و به عبارت دیگر: ثبوت هر دو از طرف معصوم ثابت باشد، در حالیکه ما گفتیم راوی این روایت کاملاً مجهول و محتوای روایتش هم کاملاً شاذ می باشد، لذا بین این روایت با آن همه حدیثی که بر محتوم بودن این علائم و اینکه چاره ای جز رخداد آنها نیست تأکید می کند تعارضی بر قرار نمی شود که بخواهیم با این توجیهاات غیر علمی و غیر منطبق بر الفاظ احادیث آن را حل کنیم.

حق آنست که مرحوم محدث نوری به علت مکتب اخبارگرایی که داشتند تلاششان بر این بود که هر روایتی که مضمونش قابل پذیرش نیست را به گونه ای توجیه کنند هر چند آن توجیه مبنای علمی نداشته باشد و با ظاهر حدیث هم سازگار نباشد. محقق

۳. کلام مرحوم نوری در النجم الثاقب بدین قرار است: و قد انقضی من عمره الشریف إلى الآن ألف و أربعون وعدة سنين، ولا تبدل ولا تغییر فيه ما بقي شيء مما جاء عن أهل بيت العصمة عليهم السلام من الآيات والعلامات التي تكون قبل ظهوره و مع ظهوره؛ و هي جميعها قابلة للتغيير والتبدل والتقديم والتأخير والتأويل بشيء آخر، حتى تلك التي عدت في الحتميات، فإن المقصود من المحتوم في تلك الأخبار - على الظاهر - ليس أنها غير قابل للتغيير أبداً، بل الظاهر منه ما قاله عليهم السلام بما يأتي - و الله العالم - بأنه مرتبة من التأكيد بما لا تنافي التغيير في مرحلة من مراحل وجودها. گردآورنده

○ پاسخ دوم. امکان وقوع بداء در برخی ویژگی های علامات حتمی

و این نظر علامه مجلسی در بحارالانوار است؛ و می توان بیانات او را با ذکر دو مقدمه کلی، خلاصه کرد:

مقدمه اول. نمیتوان از نص صریح روایات که بر حتمیت وقوع آن علایم تاکید کرده است؛ دست برداشت.

مقدمه دوم. بایستی بین اصل وقوع علامت و بین برخی از ویژگی های آن تفاوت قائل شد؛ پس آنچه به نص روایات آمده است: حتمیت وقوع اصل این علامت است؛ اما ویژگی های علامت، دارای حتمیت نیست؛ به عنوان مثال در روایات داریم که سفیانی از محتوم است ولی خروج او در ماه رجب جزو حتمیات نیست؛ لذا می شود در خروج او در ماه رجب، بداء رخ دهد و در ماه دیگری غیر از رجب خروج کند.

در نتیجه: بداء در اصل علامت، جاری نیست؛ بلکه در ویژگی های علامت، جریان دارد.

به عبارت دیگر: مقتضای جمع بین دو روایت، حمل امکان وقوع بداء بر ویژگی های علامت حتمی است و نه اصل وقوعش. لذا اصل علامت، حتمی باقی می ماند و هیچ تغییر و تبدیلی در آن رخ نمی دهد.^۱

۱ بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۵۱. این پاسخ نیز صحیح نمی باشد زیرا اولاً این محتومات به عنوان علامت ذکر شده اند و اگر قرار باشد در خصوصیات آنها بداء حاصل شود مشتبه گشته و از علامت بودن خود خارج می شوند و باعث گمراهی می گردند، ثانیاً خصوصیات که در روایت بیان شده است برای همین علایم محتوم بیان گشته و اصلاً به واسطه همین خصوصیات

این جواب به خودی خود اشکالی ندارد؛^۱ اما حملِ نص بر خلاف ظاهرش می باشد؛ و جز در صورتی که دیگر پاسخ ها تمامیت نداشته باشد، نباید به حمل نص به غیر ظاهرش، روی آورد.

○ پاسخ سوم. رویداد بداء در نشانه های حتمی، ممنوع است

و این سخن، درست ترین پاسخ است. و با قواعد استدلالی همخوانی بیشتری دارد؛ این پاسخ را می توان با بیان سه مطلب، ارائه نمود:

مطلب اول. روایتی که دال بر امکان وقوع بداء در حتمیات بود، سنداً ضعیف است و هیچ حدیث دیگری که مفاد آن روایت را تأیید یا تقویت کند، موجود نیست. بدین معنی که این روایت، غریب و در کرانه روایات اهل بیت علیهم السلام، بدون مشابه است و نمی توان با رو آوردن به مفاد این روایت غریب و شاذ، از مفاد احادیث فراوانی که دال بر عدم وقوع تبدیل و تغییر در علایم حتمی است، دست برداشت.

مطلب دوم. این روایت در تضاد با روایات دیگری است که به سند معتبر نقل شده و دلالتش واضح است؛ روایتی مبنی بر اینکه امر محتوم، تغییر و تبدیل نمی پذیرد؛ و از جمله روایات

است که آنها علامت شمرده شده اند پس لازم نبوده که در مورد خصوصیات هم تصریح به محتوم بودنشان کنند، غیر از اینکه دایره بداء نسبت به این خصوصیات تا کجاست و به چه تعداد است؟ مثلاً آیا می شود سفیانی در مکان دیگری خروج کند و از نسل ابو سفیان هم نباشد و با شیعه هم خوب باشد؟ یا صیحه در رمضان اتفاق نیفتد و محتوایش هم چیز دیگری باشد و همه هم آن را نشنوند؟ یا اینکه فقط بداء فقط در یکی از خصوصیات اتفاق می افتد؟! هیچکدام از این حرفها مبنای علمی ندارد و معقول و قابل پذیرش نیست. لذا هر آنچه از خصوصیات علائم محتوم به سند معتبر ثابت شده باشد قابلیت بداء در آن وجود ندارد. لازم به ذکر است که علامه مجلسی تنها این سخن را به عنوان احتمال بیان کرده است نه نظریه بر خلاف محدث نوری که وجه اول را به عنوان نظریه خویش مطرح نموده است. محقق

۱. اشکالاتش بیان شد. محقق

معارض روایتِ داود بن قاسم جعفری، روایت صحیحہ عبد الملک بن اعین است^۱ که: نزد امام باقر علیه السلام بودم و سخن از امام قائم عجل الله تعالی فرجه الکریم به میان آمد، به آن حضرت عرض کردم: «امیدوارم که هر چه زودتر واقع شود و سفیانی در کار نباشد، فرمود: نه به خدا قسم آن از امور حتمی است که گریزی از آن نیست.»^۲

و در روایت صحیحہ محمد بن مسلم آمده است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: سفیانی بعد از ظهورش بر پنج مملکت به اندازه زمانی بارداری زن، حاکم می شود و سلطنت می کند. بعد از آن فرمودند: استغفر الله بلکه به اندازه بارداری ماده شتر، مالک می شود و آن از جمله امور محتوم است و باید واقع شود.^۳

و دیگر روایات شریفه.

حال می توان مبحث فوق را در چارچوب استدلال منطقی در آورد و اینچنین بیان نمود: شرط وقوع تعارض بین دو روایت، حجیتِ صدوری هر دو روایت است؛ پس وقتی یکی از روایات از دایره حجیت، ساقط شد، توانایی تعارض با روایتی که حجت است را ندارد؛ لذا بایستی گفت که روایت داود بن قاسم - دال بر وقوع بداء در علایم حتمی - فاقد شرایط لازم جهت معارضه با روایات صحیحہ فوق الذکر است.

مطلب سوم. بداء در نشانه های حتمی ظهور منجر به نقض غرض است؛ بدین توضیح که: پیشتر درباره سه ملاک اصلی ارزش و اهمیت نشانه های ظهور به طور مفصل سخن گفتیم؛

۱. صحیحہ خواندن آن از این جهت است که عبد الملک بن اعین شواهد وثاقت دارد. محقق

۲. غیبت نعمانی ص ۳۱۲

۳. غیبت طوسی ص ۴۴۹. توضیح آن فقره از روایت که میگوید «استغفر الله» در صفحات پیشین گذشت.

حال وقتی در این علامات حتمی، بداء رخ دهد، دیگر آن غرض و انگیزه ای که منجر به برقراری این نشانه ها شده بود، نقض می شود. در حالیکه خداوند از نقض غرضش، پاک و مبرا است.

با بیان این سه مطلب، نتیجه ای که مرحوم علامه مجلسی و مرحوم محدث نوری بدان رسیده بودند، محل اشکال و غیر قابل پذیرش است.

❖ مبحث پنجم: امکان وقوع تلبیس در علامات حتمی فراهم نیست

آنچه در انتهای این فصل، شایسته توجه و تمرکز است، این که: علامات حتمی، بگونه ای هستند که امکان تلبیس و دسیسه در آن فراهم نیست؛ آن هم با تکیه بر چهار مطلب:

مطلب اول. برخی از نشانه های حتمی، نشانه هایی تکوینی و مربوط به تمامیت این جهان هستند و امکان دسیسه و نیرنگ در آن نیست؛ همانند طلوع خورشید از سوی مغرب.^۱

مطلب دوم. رخداد یکپارچه علامات حتمی.

بدین معنی که: علامات حتمی به صورت از هم گسیخته و جسته گریخته، روی نخواهد داد تا بتوان با هر حيله گری و فریبکاری که شده در حق آن نشانه ها، حقه بازی کرد؛ این نشانه های حتمی، پی در پی و در کنار همدیگر رخ خواهند داد و برخی از آنها در یک روز پدیدار

۱. نقد اینجانب درباره علامت بودن این واقعه گذشت. محقق

خواهند شد؛ همانند: خروشیدن سفیانی و یمانی در یک روز از یک ماه از یک سال. همچنانکه در روایات پیشین بدان اشاره کردیم.^۱

مطلب سوم. نشانه ها، جهان شمول اند.

بدین معنی که: نشانه هایی که در چارچوب حکمت خداوندی، بروز و ظهور می یابد، نشانه هایی هستند که کل جهان را تحت الشعاع قرار می دهند و رویدادهایی قشری و ناحیه ای نیستند؛ لذا این نشانه ها، رویدادهایی هستند که در تمام جهان، مومنان به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را از ظهور آن حضرت با خبر می کند؛ چراکه ویژگی نشانه ظهور بایستی اینچنین باشد که تمام افراد که مشمول رهنمونی به امر ظهور شریف هستند را از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشريف خبر دار کند و نه اینکه تنها شماری را متوجه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بکند؛ وگرنه بعنوان نشانه حتمی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، یاد نمی شدند.

لذا با توجه به این مطلب: تمامی فرقه هایی که با ادعاهای مخفیانه و پنهانی در صد ترویج ادعاهای فلان و بهمان مدعی بر می آیند و ادعا می کنند مدعی آنان مقصود حقیقی از روایات مهدوی یا روایات نشانه های ظهور- همانند یمانی و خراسانی و...- است، همگی پوچ و بی ارزش هستند؛ چراکه هیچکدام از این فرقه ها با عمومیت و جهانگیری نشانه های ظهور خوانایی و همتایی ندارند.

۱ . نقد اینجانب درباره این همزمانی گذشت، اما اصل سخن درست است؛ زیرا تمام این وقایع در حدود یک سال اتفاق می افتد بلکه اگر خروج دوم سفیانی را ملاک قرار دهیم که به منطقه عراق می باشد در عرض چند ماه رخ می دهد. محقق

مطلب چهارم. بیان ویژگی های دقیق نشانه ها.

همچنانکه مشاهده نمودید، ویژگی های دقیق و تفصیلی یکایک علامات را بنا بر روایات اهل بیت علیهم السلام عنوان نمودیم.

در نتیجه: نشانه های حتمی شش گانه - که قابل اعتماد و تکیه است و می تواند ملاک کامل و درستی از نزدیکی ظهور امام زمان باشد - نه پذیرای حقه بازی و دسیسه است و نه ابهام آفرینی. **چرا که:**

اولاً. برخی از آنها تکوینی هستند.

ثانیاً. همگی با هم و پی در پی رخ می دهند و نه از هم گسیخته.

ثالثاً. رویداد این علامات، عالم گیر خواهد بود و تمام جهان را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

رابعاً. ویژگی های دقیق و جزئی این نشانه ها نیز در طی روایات شریفه آمده و مانع از تطبیق آن بر هر مدعی است.

پایان بخش دوم از ترجمه کتاب المهدویه الخاتمه

باب: فقه علامات ظهور

۱۳۹۹/۰۲/۱۷

کانال های تلگرامی نقد فرقه مدعی یمانئ:

<https://t.me/almonqezfr>

کانال المنقذالعالمئ

https://t.me/almonqez_farsi

گروه المنقذالعالمئ

<https://t.me/antimortad>

الاثنئ عشرئه

<https://t.me/PayehayePooshaly>

پاه هائ پوشالئ